

.....	۹
.....	۹۱
.....	۹۱
.....	۸۷
.....	۲۸
.....	۷۸
.....	۶۸

فصل اول: چیستی اخلاق و عناصر مرتبط با آن در اندیشه مولانا (۱۵)

فهرست

.....	۷
-------	---

فصل اول: چیستی اخلاق و عناصر مرتبط با آن در اندیشه مولانا (۱۵)

.....	۱۵
.....	۱۷
.....	۴۰
.....	۵۵
.....	۷۱

فصل دوم: موانع اخلاقی زیستن (۸۱)

.....	۸۳
.....	۱۰۲
.....	۱۲۰
.....	۱۲۲
.....	۱۳۰
.....	۱۴۴

فصل سوم: عوامل مؤثر در بهبود زیست اخلاقی (۱۵۱)

.....	۱۵۱
-------	-----

۱۶۰ (ب) تخیل
۱۶۹ (ج) نوع دوستی و شفقت بر خلق
۱۷۸ (د) شناخت عمیق از دیگران
۱۸۴ (و) صاحب کمال بودن
۱۸۷ (ه) دوری کردن از صاحبان اخلاق ناپسند
۱۸۹ (ی) توفیق و عنایت الهی

فصل چهارم: سیری در رذایل و فضائل اخلاقی (۱۹۳)

۱۹۳ الف) آرزوندیشی
۲۰۶ ب) بُخل و سخاوت
۲۱۵ ج) تکبر و تواضع
۲۲۵ د) حرص، طمع و قناعت
۲۳۴ ر) حسد
۲۴۱ ز) حزم، تأتی و تعجیل
۲۴۹ س) حلم و خشم
۲۵۵ ش) دروغ و صدق
۲۶۱ ص) زیرکی
۲۶۸ ع) شهرت و جاه طلبی
۲۸۰ غ) شهوت پرستی

فصل پنجم: چیستی ادب و گستره آن (۲۹۱)

۲۹۱ معنای لغوی و اصطلاحی ادب
۲۹۳ ادب در آینه آیات و روایات
۲۹۴ اهمیت ادب در تاریخ فرهنگ اسلامی
۳۰۱ ادب به روایت مولانا
۳۱۱ کتابنامه
۳۲۱ نمایه

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار

روزگاری فیلسوفان در حوزه نظریه بحث پیرامون خدا و در حوزه عمل به اخلاقیات توجه خاص داشتند. حتی می توان گفت بحث از حوزه عمل، پیش و بیش از مباحث نظری مورد توجه فیلسوفان قرار گرفت و آنان پیرامون اخلاق کتب و رسالات مستقلی را به رشته تحریر درآوردند. سال ها پیش از ظهور مسیح، مردمان یونان به بحث پیرامون مسائل اخلاقی می پرداختند و فیلسوفانشان کتاب هایی چون اخلاق نیکوماخوس را می نوشتند. آنان هرچند درک دیندارانه ای نیز از هستی داشتند، اما در مباحث اخلاقی شان، مبانی معرفت شناختی، وجود شناختی و انسان شناختی ای را دخالت می دادند که در بیشتر موارد محصول عقل بشری بود. چنان که در بحث از حُسن و قبح افعال در همین کتاب خواهیم گفت، فیلسوفان یونان باستان نخستین کسانی بودند که به این بحث در علم اخلاق پرداختند و به نحوی کوشیدند که از این طریق اخلاق را دانشی مستقل از دین معرفی کنند. اساساً تاریخ فلسفه و حتی علم یونانی از جایی آغاز می شود که قرار است تبیین های عقلی و تجربی جای تبیین های اسطوره ای و دینی را بگیرد و این را می توان حرکتی مهم جهت سکولار کردن علوم بشری در بستری عقلی - تجربی دانست. این حرکت از تالس آغاز شد و در ارسطو به اوج خود رسید. ارسطو هم فیلسوف بود و هم دانشمند علوم طبیعی و تالس نیز اگرچه در دانش در حد ارسطو پیش نرفته بود؛ شئونی چون وی داشت. به هر روی خشت های نخستی که یونانیان در بنای دانش اخلاق نهادند مورد توجه ملل و نحل دیگر نیز قرار گرفت و مکرراً مورد مذاقه و مطالعه واقع شد. در میان فیلسوفان یونان باستان، سقراط، افلاطون و ارسطو بیش از همه در این باب سخن گفتند. در زمانی که میراث یونانیان به امت اسلام از طریق ترجمه منتقل می شد، اهم نوشته های ایشان در حوزه اخلاق نیز انتقال یافت. از اخلاق